

## ناپایداری تشیع در اندلس

محمد رضا شهیدی پاک<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز

### چکیده

ناپایداری تشیع پدیده‌ای تاریخی جهان اسلام آندلس، مغرب، مصر، هندوستان، ماوراءالنهر، بین النهرین، حجاز است. مولف مفهوم ژئوپلیتیکی ناپایداری را در مقاله دول شیعه در شمال آفریقا (کنفرانس تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا، انجمن ژئوپلیتیک ایران سوم اسفند سال ۱۳۹۰) مولفه‌های ناپایداری است و پژوهش بررسی ناپایداری تشیع در اندلس در لحظات احتضار بلنسیه نقطه استراتژیک اندلس بر همین اساس است. آندلس نوعی ناپایداری مضمّن را از دوره گوتی به ارث برده بود و امویان و عباسیان بویژه برای حذف قدرت تشیع از اندلس آن را نهادینه کرد به طوری که به سقوط اندلس رسید. دانشمند شیعه، ابن ابار در صدد بسیج غرب اسلامی با شعائر اهل بیت برای نجات اندلس بود و نتوانست و اندلس در سراسیمه سقوط نهایی رفت زیرا حذف تشیع از اندلس پتانسیل مسلمانان برای حفظ اندلس را خنثی کرد، قتل او مشخص کرد، دولت ممالیک مانع اقدامات ابن ابار شده است. ویروس ناپایداری را پیشتر سقیفه به جهان اسلام تزریق کرده بود و لذا سلسله‌ای توطئه از فتوحات تا سقوط زمینه‌های ناپایداری تشیع در اندلس است. کتاب تاریخ تحلیلی اندلس ۱۳۸۹ تحلیل و تبیین این توطئه‌های ناپایدار کننده را شروع کرد و تقابل امویان با شیعیان و سرکوب حرکت‌ها و قیام‌های شیعی را نشان داد و کتاب تاریخ تحلیلی مغرب (۱۳۸۹) "تقابل و حساسیت عباسیان با فاطمیان و علویان"، را به شکل بسیار مفصل، ادریسیان و فاطمیان در جزیره سیسیل و دولت بنی زبیری و دولت مرابطین و دولت موحدین و جانشینان آن حفصیان و بنی مرین بررسی نمود، مقاله علل ناپایداری دولت‌های شیعی در شمال آفریقا تحركات دولت اموی و عباسیان در حذف تشیع از مغرب پرداخت، مقاله ادریسیان در مجموعه مقالات کتاب تاریخ تشیع (۱۳۹۰) هم این مطلب را تحلیل کرده است. مقاله ۱۳۸۱ بررسی تحولات فلسفی و کلامی عهد مرابطین در مبارزه با اندیشه شیعی به شکل تاریخی و کلامی و فلسفی و سیاسی و نظامی است، مرابطین برای عباسیان تشیع را در اندلس برچیدند و در مغرب از ریشه در آوردند. مقاله تحولات فلسفی و کلامی موحدین (۱۳۸۲) علل ناپایداری تشیع در اندلس است و مقاله مهدویت در غرب اسلامی (۱۳۸۴) استفاده ابزاری از آموزه مهدویت بوسیله امویان مرابطین است. مقالات و آثار مولف ناپایداری تشیع در اندلس را به خوبی تصویر کرده است و مورد انتحال در اثری با نام علل ناپایداری تشیع در اندلس قرار گرفت که فقط با تغییر کلمات است و نوعی ریزه خوری و سرقت پوشیده در نتیجه رانت آموزشی و کج روی پژوهشی است (بویژه اگر شخص با سمت و مسئولیت در سن نزدیک شصت سال بدون هیچ سابقه پژوهشی در موضوع مورد نظر، در حال اخذ دکتری باشد) تحقیقات مولف که منتحل از آن‌ها آگاه بوده است رساله دکتری شد دسته بندی مطالب مقالات و تحقیقات مولف از ۱۳۸۱ به بعد است که بدون هیچ اشاره به آن‌ها انتحال شده است. این که چگونه و با چه احساسی چنین سرقت ادبی صورت گرفته است چیزی جز تمسک به شیوه طغیان اخلاقی و ستمگری امویان نیست و این منتحل با امویان اندلس بویژه با محمد بن هشام بن عبد الجار خلیفه اموی اندلس که برای جلب قلوب مردم خود را مهدی نامید و به اصطلاح جدید از مهدویت استفاده ابزاری کردند و با مهدی مرابطین عبدالله بن یاسین که او هم با مهدوین چنین کرد، قرین و محشور است و نیز کسانی که ابزار برای او تهیه کردند. خطوط و محورهای اصلی تحقیقات پیشین مولف که انسان با انصاف مطالعه کند متوجه می‌شود از لحاظ کمی و کیفی به خوبی ناپایداری تشیع در اندلس را تحقیق کرده است، مقاله مرابطین که اساس و شروع پژوهش است حایز رتبه در مقالات کشور شد. سالها تحقیق مولف بر اساس مصادر اندلس، چهار عامل ناپایداری چنانکه ذکر شد را معلوم کرده است و این فرد منتحل همین چهار مولفه را آورده است. انتشار اسلام در جهان همراه توسعه تشیع بوده است اما گسترش اسلام از آفریقه تا پواتیه با محنت و حذف مواجه شد.

**واژه‌های کلیدی:** ناپایداری، تشیع، آندلس، دولت‌های شیعه

## ۱- مقدمه تاریخی جغرافیایی: گسترش اسلام از آفریقه تا پواتیه :

فتوحات اسلامی در مصر متوقف شد و به پایگاه سنتی روم در آفریقه و به دژ روم کارتاژ رسید و اما ندکی بعد از قتل عثمان در آفریقه فتوحات واقعی در دنیای رومی شروع شد و آفریقه دژ بسیار مهم روم در جنوب اروپا یعنی ایبری شد. فتح ایبری به معنی موفقیت اسلام در فتح جهان است. زیرا اگر فتح اندلس درست پیش می رفت فتح همه جهان بوسیله اسلام بسیار آسان بود و محقق میشد. به هر شکل محدوده جغرافیایی واحدی به نام شبه جزیره ایبری بوسیله سپاه اسلام جغرافی دانان مسلمانان را اندلس نامیدند. این دژ روم قرن هامل حکومت امپراطوری روم بود و در دوره پیش از اسلام گوت ها در آن دولت نیمه مستقل داشتند، دژ ایبری فتح ناشدنی می نمود ولی به دلایل متعدد که تحقیقات بسیاری در مورد آن هنوز صورت می گیرد درهم شکست. در کتاب تاریخ تحلیلی اندلس پیشینه تاریخی مفصلی سیر دول حاکم در اندلس در دوره باستان و قرون وسطی تا اسلام را آورده است و به شکل مبسوط هفتاد شهر مهم و پایتخت در اندلس و مسایل جغرافیایی اندلس را بررسی کرده است. گسترش اسلام از آفریقه تا پواتیه به طور جزئی و مفصل در کتاب تاریخ تحلیلی مغرب و اندلس ۱۳۹۸ بررسی شده است.

## ۲- مفهوم پایداری و ناپایداری دولت های شیعی در جهان اسلام - مفهوم سیاسی اجتماعی ایداری و ناپایداری

## ۱-۲- برخورد فرهنگ ها و تمدن های بومی با اسلام در نقاط مختلف و ایجاد ناپایداری :

اسلام مناطقی از جهان را فتح کرد که مهد فرهنگ و تمدن بوده است و فتح با برخورد گسترده فرهنگ و تمدن روبرو شد و در مواردی به تعامل و هم پوشانی بین فرهنگ ها و هم زیستی آن ها رسید و در مواردی هیچ ارتباط برقرار نشد و حی با وجود هشتصد سال حضور اسلامی در اندلس هیچ پیوند بومی مستحکم ماندگار ایجاد نشد و وضع سیاسی اجتماعی اندلس همواره متشنج و ناپایدار بود و برخورد فرهنگ ها رسید و لذا از دولت اموی علی رغم شکوه تمدنی به استبداد منور تعبیر کرده اند.

## ۲-۲- سقیفه و تزریق ویروس ناپایداری در جهان اسلام - دیدگاه اندلسی در مورد رابطه مستقیم سقیفه و سقوط

اندلس :

با تصمیم سقیفه شمشیری در جهان اسلام کشیده شد که هنوز از آن خون جاری است و جماعات و دول اسلامی و شیعی را در دو سوی پایداری و ناپایداری قرار داده است. ناپایداری شیعه در مکان های جغرافیایی مانند شام و اندلس است که دشمنان شیعه و اسلام و بنی هاشم حضور برتر فیزیکی داشته اند. و از صدر اسلام چنین مفهومی در تاریخ اسلام در مورد پایداری و ناپایداری دول اسلامی بویژه دولت های شیعه شکل گرفت. هم ایران شاهد فروپاشی و ظهور و سقوط دول شیعه بود و هم هند و جزیره و هم مصر و شام ناپایداری دول را تجربه کردند. پژوهش به ناپایداری دولت شیعه در اندلس پرداخته است که از آغاز فتوحات با کودتای امویان علیه فاتح اندلس همراه شد و با کودتا علیه موسی و پسرش در اندلس آن جا کاملاً در اختیار امویان قرار گرفت و اندلس محل قدرت نمایی امویان شد. شیعه ناپایدار ترین وضع را در اندلس در این دوره و دیکتاتوری امویان داشت.

## ۳- سیر اجمالی ناپایداری تشیع در اندلس

## ۳-۱- عصر فتوحات کودتای اموی علیه صاحب فتح مصر و صاحب فتح اندلس :

حرب معاویه به هر شکل ممکن فتوحات را با ترور سران فتح مصر از جمله مالک اشتر در جریان فتح اسلامی وارد شد و اقی ماند و نفوذ کرد و عناصر خود را سازمان داد. تا فتح اندلس صبر کرد و اندکی پس از فتح موسی بن نصیر را هم که صاحب فتح مصر بود را از صحنه حذف کرد و با کودتای اموی علیه پسر موسی والی اندلس قدرت در اندلس به ولاء سرسپرده اموی رسید و فتح اسلامی به فتح اموی تغییر یافت و اثری از اسلام در آن نماند. و تاسیس دنیای پر زرق و برق اموی شروع شد. جاهلیت اموی در اندلس احیا شد و به نهایت شکوه و اوج فرهنگی و تمدنی. و عدم منافات مرض جاهلیت با تمدن و فرهنگ را در تاریخ قرون وسطی نشان داد.

## ۳-۲- عصر والیان اموی قتل صاحب فتح اندلس موسی بن نصیر

والیان اموی کار خود را با ترور مودیان و ماهرانه صاحب فتح اندلس موسی بن نصیر شروع کردند و با قتل پسرش در اندلس به قدرت رسیدند همین کار را در مصر علیه صاحب فتح مصر مالک انجام دادند. این دوره در حقیقت آماده کردن اندلس برای تاسیس دولت اموی است که با جابجایی جمعیتی قبایل اموی از شامات به اندلس شروع شد و با استقرار کامل سپاه شام در اندلس به پایان رسید و امویان اندلس با همین سپاه اندلس و جمعیت بومی مخالفان را امهار کردند و سرمایه اندلس هزینه تاسیس قدرتمندترین دولت حزبی و فاشیستی امویان اندلس شد. حجم کشته ها و ترور مخالفان امویان اندلس در دو جاذبه هولناک قتل عام دسته جمعی مردم دوشهر ثبت شده است. سراسر دولت اموی به سرکوب شورش شیعه، اسپانیایی بومی و عرب مخالف و جلوگیری از نفوذ دولت شیعه فاطمی سپری شد و با جنگ و خون گذشت. کتاب تاریخ تحلیلی اندلس ۱۳۹۸ در دو صفحه فقط نام جنگ های اندلس را ذکر کرده است که دو سوم آن در عصر دولت اموی است. جنگ در سراسر حضور اسلامی در اندلس عامل نخست ناپایداری بود.

## ۳-۳- عصر ولاء عباسی - و غلبه اعراب مهاجر اموی :

نزاع درونی و نژادی عرب بر ناپایداری سیاسی اجتماعی اندلس که از دوره گوتی به ارث برده بود افزود. خلافت عباسی بزرگترین ارزوی او فتح اندلس و استقرار دولت عباسی در آن جا بود. امویان هم مسلک آن ها بر سر منافع مادی و با حضور در اندلس مانع این ارزوی بزرگ خلافت عباسی بودند و فاطمیان با فتح مصرارزوی تصرف دو دژ استانی روم بوسیله عباسیان را با شکست مواجه ساختند. خلافت عباسی در برابر امویان اندلس از اشغال اندلس نا امید شد. و والیان عباسی به تدریج صحنه اندلس را به امویان مهاجروفراری از شرق واگذار کردند و مرحله ای از جنگ داخلی در اندلس در دوره اسلامی جنگ های خونین بین اعراب عباسی و اعراب اموی است که در فراهم ساختن زمینه ناپایداری سیاسی - اجتماعی در اندلس بسیار موثر بود. و فقط امواج گسترده عرب اموی که به اندلس مهاجرت کردند و نقاط استراتژیک سیاسی اقتصادی جغرافیایی اندلس را در اختیار گرفتند ثبات نسبی را برای اعراب اموی در اندلس فراهم ساخت اما دیگر گروه های مهاجرعرب که بسیاری از شیعیان هم در بین آن ها مانند خانواده عمار یاسر وجود داشت در وضع نامساعد اقتصادی و سیاسی قرار گرفتند و نخستین آشوب

های ناپایدار کننده وضع تشیع در اندلس در همین دوره و لاه اموی و عباسی صورت گرفت که در کتاب تاریخ سیاسی اندلس ۱۳۹۸ و تاریخ تشیع در اسپانیا ۱۳۹۵ آمده است .

#### ۴-۳- عصر امویان اندلس از عوامل ناپایداری تشیع در اندلس - سسپاه شام و ادامه سرکوب شیعه در اندلس

عصر امویان به نوعی خیزش عظیم چند قیام شیعی در اندلس است که حداقل یکی از آن ها بدست فاطمیان حمایت می شد و برای گسترش دولت تشیع فاطمی در اندلس بود و هر چند که منابع اموی آن ها را قیام های مردم بومی اسپانیا و مسیحیان نوشته اند اما چندین مصدر عربی آن ها را قیام های شیعی خالص دانسته است . امویان بارها ناوگان فاطمیان در مدیترانه غربی را مهار کردند و در بندر مالقه به آتش کشیدند فاطمیان حملات نظامی خود را به ایجاد قیام های داخلی در اندلس هاهنگ کرده بودند .. مانند قیام عمر بن حفصون و قیام شقنا بربر که سال ها امویان اندلس را در مناطقی از اندلس زمینگیر کردند . حجم شورش مردمی علیه امویان حاکی از بیشترین ناپایداری تشیع در عصر امویان است و شیعه به صورت مخفی در اندلس به حیات خود ادامه داد. کتاب تاریخ تحلیلی به برخی شورش های شیعه در اندلس پرداخته است و کتاب تاریخ سیاسی اجتماعی اندلس ۱۳۹۸ هم به تضارب سیاسی و نظامی شیعه و امویان در اندلس پرداخته است و با وجود استقرار سپاه شام در اندلس که مأموریت اصلی آن ها از بین بردن تشیع بود هیچگونه شرایط مساعد و پایدار برای شیعه در اندلس باقی نماند . امویان چندین حادثه مشابه حره در اندلس افرویدند و بسیاری از مهاجران از مدینه را با وضع فجیعی کشتند و یا به نقاط نامساعد برای زندگی منتقل ساختند و اجازه استقرار و اسایش به جماعت شیعه ندادند. تاریخ تحلیلی به تکرار حره در اندلس اشاره کرده است .

#### ۵-۳- عصر مرابطین اندلس از عوامل اصلی ناپایداری تشیع در اندلس مزدور مرابطین و ناپایداری تشیع - سقوط نخستین دولت شیعه در اندلس

خلافت عباسی اندلس را برای دو قرن رها کرد . اما پس از سقوط امویان بارها از فرصت ملوک الطوایف اندلس استفاده کرد و در سه دوره ملوک الطوایف دولت هایی را به نیابت از خلافت عباسی در اندلس روی کار آورد و آن ها شعایر عباسیان را در اندلس به احتزاز در آوردند و این دول ناپایدار اندلسی که برخی مخالف عباسیان و برخی موافق فاطمیان و برخی موافق با ال بویه شیعه ایران بودند به دلیل همین وابستگی به قدرت فراملی همواره در وضع بین پایداری و ناپایداری بودند . اولین زهر خلافت عباسی به دولت تشیع در اندلس بوسیله مردوران آن ها مرابطین از بربر های بومی مغرب ریخته شد و آن ها دولت شیعه بنی حمود را که نخستین دولت شیعه اندلس بود را در حالت ناپایداری قرار دادند و این دولت در ۴۴۰ هجری در اثر ناپایداری بیش از حد مستمرسقوط کرد . کتاب ملوک الطوایف اندلس ۱۳۹۷ روابط خلافت عباسی و ملوک الطوایف و دول مسیحی شما اسپانیا را بررسی کرده است.

## ۶-۳- پایداری تشیع در اندلس در دوره موحدین

دولت موحدین طومار قدرت دولت مرابطین را درهم پیچید و شعائر تشیع را در اندلس احیا کرد و بنیانگذار این سلسله خلافتی و امامتی نسب خود را به امام حسن ع رسانی و در اصول عقاید و اصول فقه در عهد او بویژه در آثار ابن رشد شبیه مبانی نظری تشیع امامیه است. این دولت صد سال امپراطوری بزرگی را در مغرب و اندلس ایجاد کرد. در عهد آن ها ابن منظور لغوی معروف اثر لسان العرب را نوشت که بخشی بزرگ از حکم حضرت علی ع را در خود آورده است. (یکی از محققان معاصر آن ها را در مجلدی استخراج و منتشر کرده است). موحدین در زمان حکومت با مخالفت دولت ایوبی مصر و موافقان داخلی آن ها روبرو بودند اما این دولت تشیع را در اندلس استوار ساخت و حدود یک قرن دینار آن ها پول رایج در میترانه بود. عصر موحدین عصر شکوه تمدن و فلسفه اسلامی است و فلسفه به علت اندیشه شیعی موحدین رونق یافت و ابن رشد که رئیس اندیشه اصولی تشیع را در دیدگاه های اصولی خود آورده محصول موحدین است. عقاید کلامی ابن تومرت مانند عصمت امام همان اصول شیعه است. قدرت سیاسی این دولت از مهدیت تامین می شد که از ابن تومرت با عنوان امام و مهدی یاد می شد و روی مسکوکات آن ها حک شد: المهدی امامنا.

## ۷-۳- در امدی تاریخی بر پایداری مرثیه حسین ع در ادبیات مرثیه اندلسی و ناپایداری تشیع در اندلس: اندلس

در سزاشیب سقوط:

در لحظات احتضار شهر بلنسیه ( والنسیا ) بزرگترین پایگاه اسلام در اندلس، دانشمند شیعه در حال این بود تا غرب اسلامی را بسیج کند تا یاعلی و یا حسین همگانی جامعه مسلمانی شبه جزیره ایبری، اندلس را از سقوط احتمالی نجات دهند زیرا با سقوط بلنسیه در شرق اندلس بود که غرب صلیبی اندلس را در پروژه بازپس گیری قرار داد و اندلس در سزاشیب تند سقوط نهایی قرار گرفت و تقریباً همه آن جا را به جز نقطه کوچکی در جنوب ایبری پس گرفت و غرناطه را هم سیصد سال بعد گرفت و قدرت اسلامی از سراسر اندلس محو شد. ابن ابار بلنسی ادیب و مورخ و دانشمند شیعه تلاش بسیاری کرد تا بلنسیه را از سقوط نجات دهد اما حذف تشیع از اندلس زمینه و پتانسیلی که مسلمانان برای حفظ اندلس داشتند را خنثی و بی اثر کرد. ابن ابار در قصیده سیاسی سینییه (مقاله مولف در شرح قصیده سینییه ۱۳۹۹) کوشید شبه جزیره ایبری را برای مسلمانان نگه دارد اما حوادثی که به قتل او منجر شد نشان می دهد چگونه دولت ممالیک مانع از این درآمد ریشه در کتاب تاریخ تحلیلی اندلس است که از سال ۱۳۸۳ تدریس شد و در سال ۱۳۸۹ منتشر شد ویژگی این کتاب تحلیل تاریخ اندلس از عصر فتوحات در قالب توجه به مبارزه با تشیع و بررسی عوامل ناپایداری آن در اندلس است که به خوبی تقابل امویان با شیعیان و سرکوب حرکت ها و قیام های شیعی را نشان داده است و کتاب تاریخ تحلیلی مغرب (۱۳۸۹) که "تقابل و حساسیت عباسیان با فاطمیان و علویان"، را به شکل بسیار مفصل از کتاب یعنی، ادریسیان و فاطمیان در جزیره سیسیل و دولت بنی زیری و دولت مرابطین و دولت موحدین و جانشینان آن حفصیان و بنی مرین بررسی کرده است و در مقاله علل ناپایداری دولت های شیعی در شمال آفریقا (اسلام و تحولات ژئوپلیتیکی خاورمیانه و شمال آفریقا، سوم اسفند ۱۳۹۰، انجمن ژئوپلیتیک ایران) به تحرکات دولت اموی و سپس عباسیان برای حذف تشیع از مغرب پرداخته است و در مقاله مستقل ادریسیان در مجموعه مقالات کتاب تاریخ تشیع (۱۳۹۰)، انتشارات دفتر همکاری حوزه و دانشگاه هم این

مطلب را تحلیل کرده است. مقاله ۱۳۸۱ تحولات فلسفی و کلامی عهد مرابطين دارد که مبارزه آن ها با اندیشه های شیعی در این مقاله به شکل تاریخی و مبانی نظری کلامی و فلسفی و سیاسی و نظامی در ادبیات آمده است. آن ها به خاطر عباسیان تشیع را در اندلس برچیدند و در مغرب از ریشه در آوردند و در مقاله تحولات فلسفی و کلامی دوره موحیدین در ۱۳۸۲ است که برخی علل و زمینه های ناپایداری تشیع در اندلس و استفاده از مهدویت را مطالعه کرده است و مقاله مهدویت در غرب اسلامی ۱۳۸۴ است که به درستی و با جزئیات تفصیلی استفاده ایززازی از آموزه مهدویت از جمله استفاده امویان مخالف با مهدویت از مهدویت و طرز استفاده موافقان را هم بررسی کرده است. این مقالات و دیگر آثار مولف در همین زمینه مورد انتحال در اثری با نام علل ناپایداری تشیع در اندلس قرار گرفت و نویسنده فقط با تغییر کلمات و با ریزه خواری و سرقت پوشیده که نتیجه رانت آموزشی و کج روی پژوهشی است (بویژه اگر شخص باسمت و مسئولیت در سن نزدیک شصت سال بدون هیچ سابقه پژوهشی در موضوع مورد نظر، در حال اخذ دکتری باشد) تحقیقات مولف که شخص منتحل از آن ها آگاه بوده است، کار انتحالی خود را به عنوان رساله دکتری انجام داد و منتشر کرد. در پشت جلد این رساله که به صورت کتاب بیرون آمده است دسته بندی همان مطالب مقالات و تحقیقات مولف از ۱۳۸۱ به بعد است که بدون هیچ اشاره به آن ها انتحال شده است. این که چگونه و با چه احساسی چنین سرقت ادبی صورت گرفته است چیزی جز تمسک به شیوه طغیان اخلاقی و ستمگری امویان نیست و این منتحل با امویان اندلس بویژه با محمد بن هشام بن عبد الجار خلیفه اموی اندلس که برای جلب قلوب مردم خود را مهدی نامید و به اصطلاح جدید از مهدویت استفاده ایززازی کردند و یا با مهدی مرابطين عبدالله بن یاسین که او هم با مهدوین چنین کرد، قرین و محشور است و نیز کسانی که ابزار برای او تهیه کردند، اللهم العن اول ظالم ظلم حق محمد و ال محمد و آخر تابع له علی ذلک. خطوط و محور های اصلی تحقیقات پیشین مولف را چنانکه انسان با انصاف مطالعه کند متوجه می شود که هم از لحاظ کمی و هم از جهت کیفی در سطح خوبی است و نیاز به ارتقا ندارد و در صورت لازم در ویرایش و آن مولف اولی است، این خطوط اساسی در مورد روند ناپایداری و حذف تشیع در اندلس که مولف در نتیجه سال ها مطالعه در متون اصلی غرب اسلامی بدست آورده است، عبارت است از: "تقابل و حساسیت عباسیان با فاطمیان و علویان"، «استفاده ایززازی از آموزه مهدویت»، «مبارزه مرابطون با اندیشه های شیعی»، «سرکوب حرکت ها و قیام های شیعی»، «تقابل امویان با شیعیان» از مهم ترین موانع زمینه ای و اصلی عدم پایداری تشیع در اندلس است.

"

#### ۴ ابن ابار - فریاد بلند تشیع برای نجات اندلس -- ابن ابار و تاریخنگاری هویت سیاسی - اجتماعی تشیع

حفصیان اموی مسلک فریاد تشیع برای نجات اندلس را خفه کردند و زنجیره ای از علمای شیعه مهاجر از اندلس به تونس را کشتند، اما این فریاد همچنان در ادبیات عرب اندلسی محفوظ است. اکنون هفتصد سال از سقوط بننسیه و حدود پانصد سال از سقوط نهایی اندلس و تصرف غرناطه بوسیله فردیناند و ایزابلا و تاسیس پادشاهی مسیحی پرتغال و اسپانیا در اندلس اسلامی و بلند شدن صدای ناقوس به جای اذان در شبه جزیره ایبری می گذرد. تحقیقات پیشین مولف نشان میدهد مرثیه امام حسین در ادبیات عرب اندلس، سند آشکار بر وجود تشیع در شکل سیاسی اجتماعی آن در اندلس است. یکی از فراز های حضور تشیع در اندلس که در ادبیات عرب به خوبی ثبت شده است وقتی است که اندلس در سراسیمه سقوط قرار گرفته بود ابن ابار دانشمند شیعه می خواست با استفاده از پتانسیل تشیع اندلس را از سقوط حتمی نجات دهد و او و ابن سبعین و ابن منظور و سایر فعالان از علمای شیعه که به تونس پایتخت دولت حفصیان مهاجرت کرده بودند تلاش کردند که دولت حفصیان که در استانه سقوط بننسیه مهمترین خاکریز اسلام در اندلس در حال تاسیس بود را بر مبنای قدرت تشیع

ایجاد کنند اما سیاست حذف تشیع از مغرب و اندلس که از سوی دولت ممالیک مصر حمایت می شد مانع شد و ابن سبعین دچار محنت شد و مورد تعقیب ممالیک قرار گرفت و اقدامات او بی نتیجه ماند و ابن ابار و ابن منظور هم در تونس به طرز بسیار فجیعی به قتل رسیدند و اقدامات آن ها برای تاسیس دولتی که بتواند اندلس را از سقوط نجات دهد بی اثر شد. مولف در مقاله نظریه ابن ابار در مورد سقوط اندلس (۱۳۹۷) نظریه او که حذف تشیع از اندلس باعث سقوط اندلس شده است را بررسی کرده است.

## ۲-۴- مقتل اندلسی ابن ابار، معدن اللجین فی مراثی الحسین

مقتل نویسی نشان احساس مذهبی و سیاسی اجتماعی نسبت به امام حسین ع است و شیوه ای برای حفظ پیام قیام و شهادت امام حسین ع بوده است و این شیوه ر شرق جهان اسلام قرن ها است که باعث برپایی نهضت حسین است و شخصیت های برجسته جهان اسلام اقدام به مقتل نویسی کرده اند که در کارنامه فرهنگی طبری، ابوریحان بیرونی، دانشمندان و مورخان تاریخ سیاسی اجتماعی جهان اسلام جایگاه علمی مقتل در تاریخ سیاسی اسلام روشن شده است. در غرب جهان اسلام بدلیل حذف تشیع بوسیله امویان ادبیات مقتل و مرثیه مهجور ماند با این وجود ابن ابار دانشمند رجالی و ادیب و سیاستمدار و کاتب سیاسی اداری بلند پایه مقرب خلیفه حفصیان ابوعبدالله المستنصر بالله نمونه از مقتل اندلسی (با عنوان، معدن اللجین فی مراثی الحسین) تدوین کرد که مفقود است. خطوط کلی مقتل او با توجه به کتاب "درر السمط فی اخبار السبط" که وصف تشیع علوی و حسینی است، مشخص است و دلیل بر تشیع امامی این شهید است که مانند کربلائیان با ضربات نیزه سفاکان دولت حفصیان که اموی مسلک شدند و به شیوه آن ها می کشتند، از پای درآمد. نوشته حاضر گزینش و تحریر بخشی از تحقیقات مولف در ادبیات مرثیه حسینی در مغرب و اندلس است و قصاید و قطعات منظومی است که به حسب انجام آن ها در ادوار قدرت سیاسی دول اندلسی از امویان تا آخرین دولت اسلامی در اندلس دولت بنی احمر استخراج و تنظیم شده است. و قلب آن ها از جهت کمی و کیفی درر السمط ابن ابار و دیوان ابن ابار است. کتاب اهل بیت در متون دانشمندان اندلسی ۱۳۹۵ به تصویر اندلسی از اهل بیت و دانشمندان اندلسی شیعه و شاعران و ادبای مرثیه نگار و مداح اهل بیت از جمله ابن ابار و ابن شکیل و صفوان و ابن هانی اندلسی و... پرداخته است.

## ۵- ممالیک مصر و تعاون و توطئه در وضعیت سیاسی دولت های مغربی - اندلسی - مرابطین جدید :

ممالیک که پس از سقوط بغداد و فروپاشی خلافت عباسی قاهره را به عنوان اشیانه خلافت عباسی در آوردند و خلافت عباسی به صورت تشریفاتی تا ظهور خلافت عثمانی در قاهره به عمر سیاسی خود ادامه و ممالیک به عنوان مرابطی جدید سیاست اندلسی خلافت عباسی را ادامه داد و تحرکات تشع در اندلس را درهم شکست. در مقاله تحولات فلسفی و کلامی دوره حفصیان ۱۳۸۴ به این مسئله پرداخته شده است.

## نتیجه گیری:

مقاله ثابت کرد تحرکات و گردش قدرت در اندلس تابع نزاع مضمّن تشیع و تسنن در اندلس بوده است که از کودتای اموی برای ناپایداری جمعیت تشیع و حذف صاحب فتح اندلس آغاز شد و با تاسیس دولت امویان در اندلس استمرار یافت. این دولت با امواج ناپایدار کننده قیام های شیعی ضد اموی روبرو بود تا سرانجام بربر های منسوب به دول شیعه ادریسیان آن را سرنگون کردند و آن ها را مرابطین دولت نیابتی خلافت عباسی سرنگون کردند و دولت موحدین پایداری را برای تشیع به اندلس آورد و با اسقاط مرابطین نزاع مضمّن تاریخی را ادامه داد با سقوط موحدین، دولت ممالیک مصر سیاست اندلسی خلافت عباسی را دنبال کرد. ایا ذکر این سلسله سقوط و ظهور دولت ها در اندلس ما را به قاعده ای تاریخی در تاریخ اندلس دوره اسلامی می رساند و ایا میتوان دست آورد کاربردی از آن داشت. توجه به چهار مولفه که علت ناپایداری تشیع در اندلس بود،

## منابع:

- شهیدی پاک، تحولات فلسفی و کلامی عهد مرابطین مجله تاریخ اسلام ۱۳۸۱.
- شهیدی پاک، تحولات فلسفی و کلامی عهد موحدین مجله تاریخ اسلام ۱۳۸۲
- شهیدی پاک، تحولات فلسفی و کلامی عهد حفصیان مجله تمدن اسلامی واحد علم و تحقیقات تهران ۱۳۸۴.
- شهیدی پاک، علل واقعی سقوط اندلس و نظریه ابن خلدون مجله پژوهش های تاریخ اسلام انمن ایرانی تاریخ اسلام ۱۳۸۹.
- شهیدی پاک، ترجمه و تحقیق کتاب المعجب دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ۱۳۸۹.
- شهیدی پاک، تاریخ تحلیلی اندلس جامعه المصطفی العالمیه قم ۱۳۸۹ چاپ سوم ..
- شهیدی پاک، تاریخ تحلیلی مغرب جامعه المصطفی العالمیه قم ۱۳۸۹.
- شهیدی پاک، مدخل ابن حاجب دانشنامه زبان و ادب فارسی ج ۱ - ۱۳۸۴
- شهیدی پاک، مدخل بنی حمود در دانشنامه جهان اسلام - بنیاد دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۸۴
- شهیدی پاک، تاریخ تشیع در اسپانیا و مغرب علویون قم ۱۳۹۵.
- شهیدی پاک، تاریخ اندیشه های تشیع در اندلس، ۱۳۹۵
- شهیدی پاک، اهل بیت در متون اسلامی و آثار دانشمندان اندلس علویون قم ۱۳۹۵.
- شهیدی پاک، تاریخ سیاسی ملوک الطوائف در اندلس، نشر سرای کتاب ۱۳۹۷.
- شهیدی پاک، مفهوم علم در تمدن اسلامی سرای کتاب قم ۱۳۹۸.
- شهیدی پاک، حذف تشیع، علت اصلی سقوط آندلس در نظریه ابن ابار و جامعه شناسی دیدگاه ابن خلدون در فروپاشی امویان آندلس. پژوهشنامه مطالعات راهبردی در علوم انسانی و اسلامی، دوره: ۲، شماره ۱۴، ۱۳۹۷، ۵۰.
- شهیدی پاک اهل بیت در آثار دانشمندان آندلس - ماهنامه دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی،

دوره: ۲، شماره: ۱۲ اردی بهشت ۱۳۹۸.

شهیدی پاک، نقد مصادر تاریخنگاری مغرب و اندلس، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ۱۳۹۷.

شهیدی پاک، تاریخ سیاسی اجتماعی اندلس سرای کتاب قم ۱۳۹۹.

شهیدی پاک، مدخل تاریخ غرب اسلامی، قم، سرای کتاب، ۱۳۹.

## Shiite instability in Andalusia

Dr.Mohammadreza Shahidipak  
Islamic Azad University Central Tehran Branch

### Abstract:

Shiite instability is a historical phenomenon in the Islamic world. Andalusia, Morocco, Egypt, India, Transoxiana, Mesopotamia, Hejaz. ) Components of And the study of the invisibility of Shiism in Andalusia in the moments . invisibility of the mourning of Valencia is the strategic point of Andalusia on this basis. Andalusia had inherited a kind of implicit instability from the Gothic period, and the Umayyads and Abbasids institutionalized it, especially to remove Shiite power from Andalusia, leading to the fall of Andalusia. The Shiite scholar Ibn - Abbar sought to mobilize the Islamic West with the rites of the Ahl al-Bayt to save Andalusia, but failed to bring down Andalusia because the removal of Shi'ism from Andalusia thwarted the Muslims' potential to save Andalusia. The virus of instability had already been injected into the Islamic world by Saqifah, and so it is a series of conspiracies from conquests to the fall of the grounds of Shiite instability in Andalusia. The book Analytical History of Andalusia 1389 began the analysis and explanation of these unstable conspiracies and showed the confrontation of the Umayyads with the Shiites and the suppression of Shiite movements and uprisings. The book Analytical History of the Maghreb (2010) examined the "confrontation and sensitivity of the Abbasids with the Fatimids and the AL avids ( Idrisids daynasty)" in great detail ", the Idrisids daynasty and the Fatimids on the island of Sicily and the government of Bani Ziri and the government of Idrisids daynasty and the government of the AL-Mohads , The article Causes of instability of Shiite governments in North Africa. The movements of the Umayyad and Abbasid governments in removing Shiism from the Maghreb, Idrisids dynasty article in the collection of articles in the book History of Shiism (2011),) has also analyzed this . Article 1381 is a study of the philosophical and theological developments .issue.

of the AL-Moravids era in the struggle against the Shiite ideology in a historical, theological, philosophical, political and military form. The article on the philosophical and theological developments of AL-Mohads(2003) is the causes of Shiite instability in Andalusia and the article on Mahdism in the Islamic West (2005) is an instrumental use of the teachings of Mahdism by the Umayyads. Named the Causes of the Instability of Shiism in Andalusia, which is only a change of words and is a kind of pettiness and covert theft as a result of educational rent and crooked research. (Especially if a person with a responsibility and responsibility at the age of nearly sixty years without any research background in the subject, is receiving a doctorate) Later, they were transferred without any reference. How and with what feeling such plagiarism took place is nothing but relying on the method of moral rebellion and oppression of the Umayyads. And this dispersal with the Umayyads of Andalusia, especially with Muhammad ibn Hisham ibn Abd al-Jarr, the Umayyad caliph of Andalusia, who called himself Mahdi and used the new term Mahdism as a tool to win the hearts of the people, , Is accompanied by those who provided tools for him. The main lines and axes of the author's previous research, which a person reads fairly, realizes that he has researched the instability of Shiism in Andalusia quantitatively and qualitatively. And years of research by the author based on Andalusian sources, has identified four factors of invisibility as mentioned, and this person has brought the same four. The article proved that the movements and rotation of power in components. Andalusia were the result of a conflict between Shiites and Sunnis in Andalusia, which began with the Umayyad coup to destabilize the Shiite population and remove the conqueror of Andalusia, and continued with the establishment of the Umayyad government in Andalusia. This government faced unstable waves of anti-Umayyad Shiite uprisings until it was overthrown by barbarians belonging to the Idrisian Shiite states and overthrown by the proxy government of the Abbasid Caliphit. They were overthrown by the deputies of the proxy government of the Abbasid Caliphate, and the AL-Moravids government brought stability to Andalusia for Shiism. Does mentioning this series of the fall and rise of governments in Andalusia lead us to a historical rule in the history of Andalusia in the Islamic period, and can it be applied? Considering the component world that was the cause of the instability of Shiism in Andalusia,